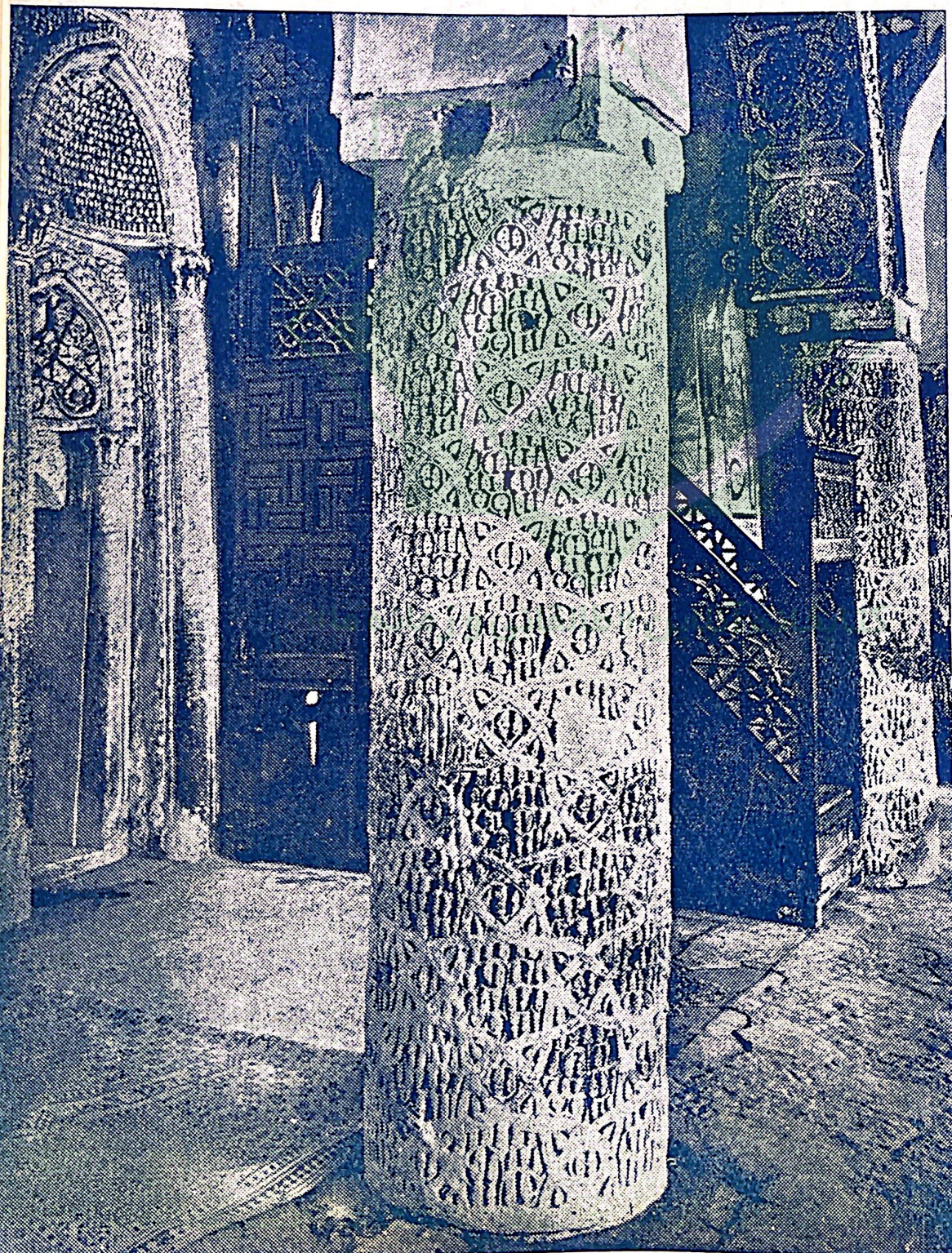




سال چهارم  
شماره دهم  
بهار تمام کشور  
۵ ریال

درج و عکس در صفحه ۶

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر  
«نصرت اندوخیانی»

سال چهارم

شماره ۱۰

شماره مسلسل ۱۶۵

تک شماره ۵ ریال

# آئین اسلام

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

۸ شعبان ۱۳۶۶

جمعه ۵ تیر ۱۳۶۶

در کشور سالیانه ۲۰۰ ریال  
برای کارگران و دانشجویان  
۱۵۰ ریال

در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

بهای اشتراك قبل از دریافت میشود

نشانی: تهران انتهای  
خیابان امیریه (سر بل امیر  
بهادر) - تلفون ۸۹۱۹

## عظمت در سایه دین

مذهبی آذربایجانی بود در آنروز فرزندان رشید ایران که دیروز با آغوش باز شاهنشاه مسلمان خود را استقبال کردند و احساسات بی نظیر خود را نثار نمودند در برابر آنهمه نیرو و عظمت که عثمانیان داشتند با نیروی مذهب و شور میهن دوستی ایستادگی میکردند و نیروی مقاومتی تشکیل میدادند ارتش فاتح عثمانی را بعقب نشینی ناچار مینمودند همان نیرو و همان قوت ایمان از اسلاف باخلاف بارت رسیده و یکبار دیگر آن سرزمین را از آلودگیها و تنگنا پاک کرده و در همین سرزمین و میان همین احساسات دینی و مذهبی است که مشاهده میکنیم پادشاه جوانبخت ایران در میان اعظم علماء و روحانیون یعنی همان ذوات مقدسی که کانون دین را در آذربایجان همیشه گرم نگاهداشته اند ایستاده و به تاثیر روحانیت و عظمت مقام دیانت بانظر احترام مینگر و بتقدیس و تکریم آن توجه مخصوص میفرمایند چرا؟

زیرا اعلیحضرت همایونی که خود علاقه خاصی بدین و مذهب دارند دانسته اند که یگانه عامل مؤثر حفظ وحدت و تمامیت ایران مذهب بوده و همین عامل مقدس است که این کشور را در طی قرون عدیده در برابر آنهمه حوادث مخاطرات حفظ کرده و همین عامل است که ملیت ما را محفوظ خواهد داشت و تا احساسات دینی و مذهبی ایرانیان برجاست ایران همیشه زنده و جاوید است

بقیه در صفحه ۲۰

«فر شاهانه بآذربایجان بقدری دارای اهمیت است که جا دارد در اطراف آن مدت ها قلمفرسایی نمود. این مسافرت بطور قطع باب جدیدی در سیاست داخلی ایران باز کرده و در سیاست خارجی نیز تاثیر بسزائی داشته همه دانستند که شاه در قلوب ملت جای دارد و محور اساسی وحدت ایران است و اعلیحضرت همایونی هم از این سفر خاطرات مقدسی و یادگارهای شیرینی با خود آورده اند از نزدیک با ملت غیور و نجیب آذربایجان تماس پیدا کردند و با احساسات دینی و جنبه میهن دوستی فرزندان رشید ایران پی بردند و بقدری این احساسات در ذات شاهانه تاثیر داشت که فرمودند (در این مسافرت من مردم را کاملاً متدین و با ایمان و علاقمند یافتم) آری همین جنبه دینی آذربایجانی است که وقتی با احساسات عالی میهن دوستی مواجه میشود اشرار و متجاوزین را سرکوب و منکوب میکند و آن خطه محبوب و زرخیز را از لوث وجود ماجراجویان که نه پابند مذهب و دین بودند و نه در بند میهن پاک مینمایند آذربایجان همیشه اینطور بوده و همواره حافظ کیان و عظمت ایران بشمار میرفته است در آن ادوار که شمال غرب ایران مورد تهاجم و تاخت و تاز عثمانیان بوده و در آن روزها که هنوز صفویه قادر نبودند در برابر ارتش منظم آن دولت پایداری کنند تنها چیزی که آن ارتش ها را شکست میداد و باسنگ مردانگی دندان طمع آنها را در هم میشکست جنبه دینی و

# اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی

## دانشجویان در شبهای جمعه

شماره (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

این بشر کیست و از کجا با بهره وجود نهاده است ؟ آیا به اختیار خود بدین آمده و با قدرت خویش ظاهر شده است اگر چنین است چرا دنیا را با نافرمانی ترک میکند و در صورتی که دنیا را تنها برای خود میخواهد فتنای خود را در برابر بقای دنیا مشاهده میکند .

پس مسلم است که انسان با اختیار و قدرت خود نعم بدینا نهاده و بدینخواه خویش قادر بخلق و نوامیس توانای طبیعت نیست . این دنیای بیکران خالق دارد که مبداء تمام کائنات است . کمال مطلق است آنست که بی وجودش وجود جهان و جهانیان معنی ندارد ، آنست که با هر شیئی همراه است و پیش از آن بوده و بعد از آن خواهد بود ، آنست که هر کسش بزبانی میخواهد و با دیده ای می بیند ، آن الله است ، خداست ، بزدانست ، آنچه نامش مینهی آنست .

خدایی است که زمین و خورشید و ماه و ستارگان را با دست توانای خویش آفریده است . خدا نیست که خوان نمیشد در همه جا گسترده و عنایتش بر سر هر موجودی سایه افکنده است . بزدانی که پنهان و آشکار در مطلق نظر اوست و خوب و بد ، زیبا و زشت را هر یک بمصلحتی خلق نموده است . پروردگاری که همه محتاج بدویند و او بی نیاز و مبرا از هر نیاز است .

الحمد لله رب العالمین حمد و سپاس خداوندی را که ایجاد کننده و سر پرست و مربی عوالم است عوالمی که فکر قاصر بشر هنوز تصور آنرا ننموده است و جای تعجب نیست زیرا بشر هنوز خود را نشناخته و تنها عالم خویش را میشناسد . الرحمن الرحیم بزدانی که تمام موجودات در یرتو عنایت عام اویند . خداوندی که بر بندگان خاص خویش لطف و رحمتی خصوصی دارد . ( دو گونه رحمت عالم را برپا داشته یکی رحمت عام و دیگری خاص )

مالک يوم الدين خداوندی که صاحب روز جزاست . موضوعی در اینجا باید ذکر شود که جدل ها و نزاعهای پیشاماری بوجود آورده و دسته های مختلفی پدید کرده و آن جبر و تفویض است که آیا ما مختاریم یا مجبور و بی اختیار ؟ آیا بندگان در انجام اعمال آزاداند یا اینکه هر چه را انجام دهند خدا انجام داده و آنان در انجام آن دخالتی ندارند ؟ جواب این موضوع آنست که لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین و برای روشن شدن مطلب دو مثال زیر ذکر میشود .

شماره ای که در برابر جمعی سخن میگوید در ساختن جملات و ترکیب الفاظ و طرز ادای آنها آزاد است و بهر نحوی که بخواهد میتواند تکلم نماید ولی در تاثیر کلام در شنونده گان دخالتی ندارد و فقط جملات را میسازد و ادا میکند ولی اثر کلام از عهده و تصرف او خارج است .

و آزادند ولی هیچگونه دخالتی در نتیجه و ماحصل اعمال خود ندارند .

دنیا میدان عمل است ، میدان ربودن گوی سعادت است میدان نبرد با اهریمنان و دشمنان سعادت و رستگاری است ، مزرعه بذر افشایی است ، کشتگاه تضم کار و کوشش و سعی است و آخرت سرای حساب است ، برای معلوم شدن نتایج مسابقه و نبرد است ، سرای آثار اعمال دنیوی است ، درگاه مزرعه دنیا است ، نتیجه اعمال جهان فانی هر کس و ماحصل آزمون هر فردی روز جزا معین میشود .

همانطور که شاگرد در توجه و ناطق در ادای جملات آزاد است ولی هیچیک قدرتی در تاثیر مطلب مورد بحث ندارند و کوچکترین قدرتی را نمیتوانند اعمال کنند و همان قسمی که زارعی در بذر افشایی و آبیاری و مراقبت و حراست اختیار دارد است ولی در برابر سبز شدن و نشدن و روئیدن و نروئیدن و افزونی و کمی و خوبی و بدی محصول ناتوان و عاری از قدرت و اقدام است انسان هم در اعمال و نوع آن و کمی و زیادی آن و بالاخره در طرز اجراء و موقع انجام آن مختار و کاملاً آزاد است اما آثار و نتایج اعمال و نمره رفتار و کمی و زیادی و خوبی و بدی نتیجه آن از حیطه تسلط و حوزه اختیار و قدرت او خارج است . خدا صاحب روز جزاست اعمال افراد بشر در دنیا مانند شئی مسافت تاریک ، مبهم و مجهول که روزی روشن از بی دارنده و این روز روز حساب ، روز بررسی و مطالعه آثار و نتایج اعمال و خلاصه روز جزاست و بزدان پاک ، خداوند رحمن ، ایزد رحیم صاحب آنست .

پس خدا را شناختیم و نعمت هایش دریافتیم ، رحمتش دیدیم و عنایتش چشیدیم و عدل و دادش فهمیدیم تاب و توانا ایمان در برابر عظمت خلقت و کثرت رحمت و افزونی نعمت تمام گشت و با قلبی صاف و بی آلابش میگوئیم :

ایاک نعبد و ایاک نستعین خدا را فقط ترا میپرستیم و تنها از تو یاری میجوئیم غیر از تو کرا شاید پرستیدن و جز از تو کرا یار و یاور طلبیدن ؟

اهدنا الصراط المستقیم ما را براه راست هدایت کن در باره صراط تفاسیر و معانی زیادی کرده اند مثلاً میگویند صراط بلی است از مو نازکتر و از شمشیر برنده تر که بروی چشم کشیده شده است .

در اینجا باید بیک موضوع توجه داشت و آن هدف و مقصد موجودات است که برای همه تقریباً یکی است همه آسایش میخواهند همه سعادت می طلبند و همه رستگاری میخواهند منتهی در تشخیص آن هر یک بفرای خود فهم خود فکر میکنند و هر کدام چیزی را سعادت و رستگاری میدانند و هر دسته از راهی می- خواهند باین هدف و مقصد برسند و منظور فلاسفه و ادیان هم غیر از نشان دادن راه و رسیدن بمقصد چیز دیگری نیست اما چون سخنان بشر بعلت آنکه این بشر عاری از احتیاجات مادی نیست و تحت تاثیر عوامل مختلف قرار گرفته و عالم و بینا بر موز و اسرار خلقت و نظام آفرینش نیست نمیتواند قواعدی کلی و قوانینی عمومی و در هر موقع و هر جا قابل اجرا و مفید باشد بطوری که اگر کسی بخواهد بشمار این دستور ها عمل کند از زندگی سیر و بیزار شده و از هر قاعده و قانونی قناری میگردد .

تواعت و قوانینی می که توسط ادیان غیر از دین اسلام برای انسان نازل شده همه دستخوش هوسها و خواهشها و اغراض شخصی و مانع خصوصی شده است و پیروی از آنها بشر را هیچوقت بکمال مطلوب نخواهد رساند ولی خداوند بشر را بحال خود و انگذاشت زبرا لطف و عنایتش برتر از آنست که بشر را در گمراهی و سرگردانی حیرت زده و مبهموت باقی گذارد دین اسلام

باقیه در صفحه ۱۰

## شاهنشاهی به مدرسه طالبیه تبریز

مخبر اداره از تبریز تفصیل جریات تشریف فرمائی اعلیحضرت شاهنشاه محبوب ایران را به مدرسه طالبیه که یکی از مدارس بزرگ علوم دینییه تبریز است بشرح زیر گذارش میدهد

روز چهارشنبه ششم خرداد ماه ساعت شش بعد از ظهر اعلیحضرت همایونی شاهنشاه محبوب ایران برای رسیدگی به وضعیت محصلین دینی به مدرسه طالبیه تشریف فرما شدند. درو دیوارهای مدرسه را از اول راسته کوچه باغشهای ذیقبت مفروش و مزین کرده بودند یک سرور و شرف از این توجه ملوکانه در بین آقایان حجج الاسلام و محصلین دینی و متدینین و علاقه مندان بدیانت اسلام ایجاد شده بود که مافوق تصور نبود در موقع تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی پس از قربانی چندین گوسفند آقایان حضرات حجج الاسلام شریعتمداری و آقا سید حسن خونی و حاج میرزا محمد علی انگلی و حاج سید مرتضی علم و آقای حاج سیدهادی خسروشاهی از اول کوچه شاهنشاه محبوب ایران را استقبال نمودند.

اعلیحضرت همایونی در کوچه در ضمن تشریف فرمائی پاره سؤالات راجع بوضعیت مدرسه و طلاب از آقای حاج سید مرتضی علم میفرمودند و آقای سید مرتضی علم بسؤالات اعلیحضرت همایونی پاسخ عرض میکردند.

در موقع ورود اعلیحضرت همایونی به حیاط مدرسه مردم و طلاب با صدای بلند و متوالی صلوات می فرستادند و ذات مبارک شاهنشاهی را دعا میکردند. آقای میرزا حسین حسین زاده خونی که از محصلین جدی و فعال طالبیه بودند آیه نور را با آواز بلند و جالب توجهی میخواندند جناب آقای منصور و ملتزمین رکاب همایونی و تیسارن سپهبد شاه بغوی و سر لشکر ضرابی و سرتیب دانشپور و یک عده از افسران ارشد و مأمورین عالی مقام تشریف داشتند.

حضرت آیه الله آقای شریعتمداری به پیشگاه مبارک شاهنشاهی غیر مقدم عرض نموده و در ضمن عرض غیر مقدم چند اظهاراتی کردند. (از طرف آقایان علماء و طلاب و مبلغین و متدینین و عموم اهالی آذربایجان عرض تشکری نمایم و از خداوند متعال طول عمر و مزید شوکت و عزت ذات ملوکانه را خواهام اعلیحضرتا. مدارس قدیمه در تاریخ هزار ساله ایران و اسلام خدمات برجسته انجام داده است. رجال دین و مملکت را برای خدمت به میهن و دیانت مقدس اسلام در آغوش خود تربیت کرده است چنانکه خاطر شریف بند گنان اعلیحضرت همایونی مسبوق هستند مردان بزرگ و نای شاگردان همین مدارس دینی میباشد که صفحات تاریخ نامهایشان را ثبت و ضبط کرده و بمملکت و عالم دیانت خدمات بزرگ و تاریخی انجام داده و در جهان مشعل دار علم و معرفت بوده اند ولی مع الاسف مدتهاست که مدارس مزبوره و طلاب علوم دینییه چنانکه شاید و باید محل توجه نشده اند.

اعلیحضرتا. برای مملکت چنانکه تشون مسلح لازم است تشون مصالح هم لازم است. طلاب علوم دینییه تشون اصلاح مملکت میباشد اینها خادماهای مملکت و دیانت بوده شامدوست و مملکت دوستند. تشونهای بی مواجب مملکت هستند به نان مختصری قناعت کرده اند مدارس و محل سکونت طلاب چندان معمور و آباد نیست با این رحمت طاقت فرسا امرار معاش میکنند مع ذلک در خدمت بمملکت و دیانت کوتاهی ندارند و اجر و مزد و پاداشی نمیخواهند فقط انتظار و تقاضا دارند به تناسب مقام خدمتشان مورد توجه ملوکانه واقع شوند و حقیقتاً

بقیه از صفحه ۹

را فرستاد دینی که باهوسها آمیخته شده و نخواهد شد و اغراض در آن راه نیافته و نخواهد یافت دین جامع و مفیدی که در هر جا و هر موقع قابل اجراست دینی که توسط خداوند محیط بر افراد و آگاه بنفع و ضرر حقیقی جوامع وضع شده است دینی که افراط و تفریط در راه ندارد و اعتدال را بعد اکل رعایت مینماید « و جعلناکم امتاً وسطاً »

راه راست و صراط مستقیم همان دین اسلام است که هر که از آن ره قدم برون گذارد در زحمت و عذاب است و در عین راحتی و آسایش در آتش میسوزد و ناراحت و ناراضی است پس میتوان گفت دنیا را راه جهنمی مثل زد که جز با این راه یعنی راه اعتدال و دین اسلام نمیتوان از این آتش رهایی و نجات یافت و از آن گذشت و در اینجا و ضریع بل صراط و جهنم واضح میشود و برای اینکه تشبیه دنیا به جهنم بغوی واضح شود مثالی ذکر میگردد:

شخص حدود همیشه در زحمت است هنگامی که تمام موجودات آرمیده اند و خود او در بستر اختراحت میبخواهد بیاساید در آتش حصد میسوزد و میسازد آیا این سوزش و این رنج عذاب نیست؟

پس دنیا برای شخص حدود جهنم است و زندگی در آن سوختن در آتش دوزخ و جز باره اعتدال یعنی همان راهی که دین اسلام نشان داده یعنی صراط مستقیم گذشتن از این دوزخ دنیا میسر نیست. شاهد بر این مدعا آنکه اله اطهار علیهم السلام می فرمودند ما از بل صراط گذشته ایم.

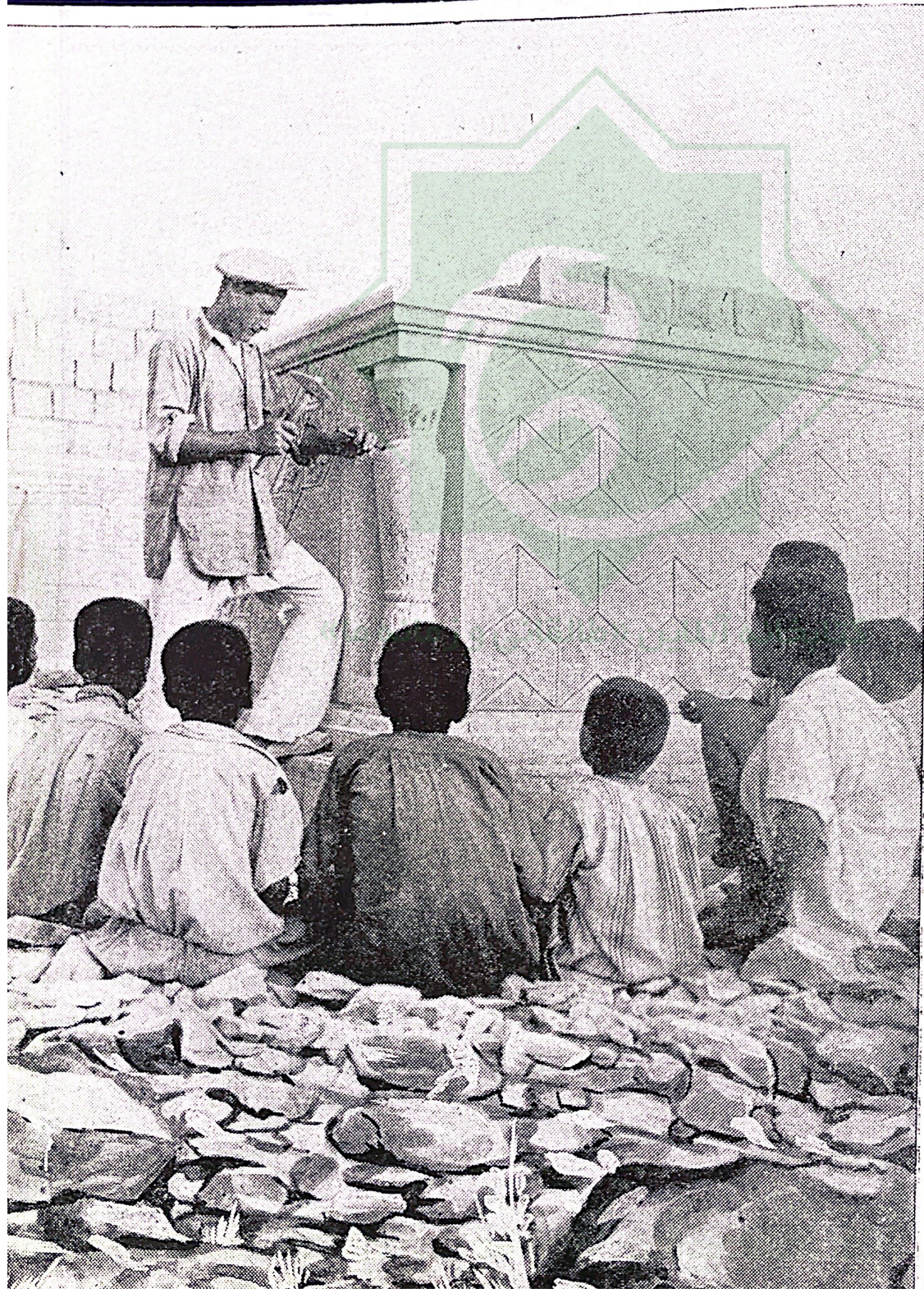
تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی به مدرسه طالبیه موجب بس امتنان و تشکر است و این تنقد شاهانه دلیل بر این است که این قسمت از خادمین دین و مملکت نیز محل توجه بخصوصی قرار خواهند گرفت.

از اعلیحضرت همایونی تمنا داریم که طلاب علوم دینییه و مبلغین و مدارس قدیمه و کلیه بناهای دیانتی و مظاهر دیانت و عالم اسلام مورد اهمیت و توجهات مخصوص ملوکانه قرار گیرد. حتی است بعضی از آقایان علماء که شرف حضور نداشتند و نتوانسته اند از این فیض عظمی بهره مند شوند بسیار متأسف خواهند شد زیرا چون از تشریف فرمائی همایونی ما دیر خبردار شده ایم لذا نتوانسته ایم چنانکه شایسته مقام شاهنشاهی است وسایل پذیرائی را فراهم بیاوریم بی نهایت متأسف و شرمنده هستیم و قهراً با آقایان هم دیر خبر رسیده است که نتوانسته اند انتظار شرفیابی حاصل نمایند.

اعلیحضرت همایونی سؤالاتی راجع بعهده مدارس و طلاب و مساعد و مدرسه طالبیه فرمودند که جواب آنها هم عرض شد بعداً تمام گزارش حجج الاسلام آقای شریعتمداری را تصدیق فرموده و وعده سریع همه گونه مساعدت و پشتیبانی را دادند و فرمودند بلی هر طلبه در او به خود یک افسری است که به خدمت دین و مملکت مشغول است و باید از این طبقه پشتیبانی و بیش از پیش از علوم دینی تقویت شود. آقایان حجج الاسلام که شرف حضور یافته بودند مورد الطاف و مرام شاهنشاه محبوب خود گردیدند.

ساعت ۷ اعلیحضرت همایونی در میان احساسات شاه دوستانه آقایان حجج الاسلام و محصلین دینی و مدهوبین و تماشاچیان از مدرسه مراجعت فرمودند و در حین حرکت موکب شاهنشاهی سایر آقایان حجج الاسلام نیز بغوی شرفیابی یافتند و تا یک ساعت مردم اظهار احساسات کرده و ذات مبارک شاهنشاهی را دعا کردند.

عبدالله دوسجی تبریز



سال چہارم

شماره ۱۴

بہادر تمام کشور

۵ ریال

# آئین اسلام

جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۲۶

۲۰ رمضان ۱۳۶۵

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر  
«نصرت اندوژیانی»

سال چهارم شماره ۱۴  
شماره مسلسل ۱۶۹

بهای اشتراك  
در كشور ساليانه ۴۰۰ ريال  
برای دانشويان و كارگران  
۱۵۰ ريال

در خارج ساليانه ۴۰۰ ريال

تكميله شماره پنج ريال

بهای اشتراك قبلا دريافت ميشود

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

نشانی: تهران انتهای خیابان امیریه (سرپل امیر بهادر) تلفون ۸۹۱۹

## چرا علی (ع) از مرك نمی ترسید؟

تردیدی در این نیست که مرك بر هر ذی حیوتی حتمی است و احدی جز ذات مقدس کبریائی نمی تواند از چنگال عفریت مرك رهائی یافته و باقی بماند. «کل من علیها ان. و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاكرام» و بشر هر اندازه نیرومند شود نمی تواند از مرك بگریزد و روی آنرا نیند «اینما تکنونوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده» پس مرك چیزی نیست که احدی از آن سرپیچد - چیزی که هست مرك در مذاق مردم هوا پرست، مادی، خود خواه، زهری است ناگوار و در مذاق مردان خدا و کسانی که در زندگی و زندگی خود هدف روشنی دارند و در راه رسیدن به هدف از تحمل هیچگونه مصائب خود داری نمی نمایند و همواره بوظایف مقرر خود قیام میکنند شربتی است شیرین تر از عسل خصوصا اگر هنگام ادای وظیفه با هیولای مرك روبرو شوند که در این صورت با آغوش باز چنان هیولا را مانند عروسی در آغوش خود خواهند گرفت - آری مرك برای مردم دنیا پرست و آنانی که جز این عالم ماده و محوسات موجوده چیز دیگری را نمی بینند سخت و ناگوار است ولی برای مردان خدا و ارباب عقل و دانش و صاحبان دیده و بینش بسیار شیرین و گوار است بلکه مرك در نظر این تیپ مقدس پل فیروزی است و دریچه نجات است و آرزومند دیدار و تماشای آن هستند و پیوسته چنین میسرایند:

عالمی خواهم از این عالم بدر

تا نمایم سیر دنیای دگر

این معنی، حقیقتی است که نیروی از دایره استدلال می باشد و جز صاحبان ذوق سلیم و ارباب فطرت بی آرایش احدی نمی تواند این حقیقت را ادراک نماید. آری کسانی که تا گلو غرق دریای شهوات و حب ذات میباشند چگونه میتوانند مرك را بر زندگی ترجیح دهند!! چگونه می توانند معنی این کلمات در بار و گفتار ارجدار حضرت علی (ع) را بفهمند (والله لابن ایطالب آنس بالموت من الطفل بدی امه) - یعنی بخدا قسم که فرزند ایطالب بمرك مأنوس تر است از انس طفل شیر خوار نسبت پستان مادر خود -

علی (ع) برای پیش بردن مقصود مقدس خود همیشه با مرك بازی میکرد، علی (ع) اگر از مرك میترسید به آن مقام شامخی که پس از سیزده قرن هنوز عظمت آن مقام انظار فلاسفه دنیا را بسوی خود جلب می نماید نمی رسید. علی (ع) اگر کمترین هراسی از مرك میداشت نمی توانست در میدان فضایل گوی سبقت را از میان تربیت شدگان مکتب محمدی (ص) بر باید. علی (ع) اگر از مرك میهراسید چگونه میتوانست در سختترین اوقات جان خود را فدای رهنمای اسلام نماید. چگونه میتوانست هنگامی که دشمنان محمد (ص) برای از میان بردن آنحضرت هم قسم شده بودند

گوینده حضرت آقای طالقانی

## اقتباس از درس تفسیر قرآن

## انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۳)

صراط‌الذین انعمت علیهم. راه و روش کسانی که برایشان انعام کردی قرآن درباره انبیاء و صدیقین و شهدا و صالحین میفرماید «اولئک الذین انعم علیهم» پس معلوم میشود که اهل نعمت روندگان راه راستند برای روشن شدن مطلب مثالی ذکر می‌گردد

اگر عده‌ای در بیابانی بوده و مقدای آذوقه داشته باشند ولی راه را بلد نباشند ناراحتند. ولی اگر کسی راه را بلد باشد و منزل آینده را بداند اگر آذوقه هم نداشته باشد راحت و آسوده است و میداند که پس از یکساعت دیگر باب و مسکن خواهد رسید. در اینجا باید دانست آنکس در نعمت است که بر راه راست هدایت شده و از مقصد و هدف اطلاع کامل حاصل کرده است و واضح است که انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین کسانی میباشند که اهل نعمتند و از اینجهت راه را دانسته‌اند و اگر چه بی چیز و فقیر باشند آسوده و راحتند زیرا تنها ثروت برای وجود نعمت کافی نیست و چه بسا فقرانی که از ثروتمندان آسوده‌تر و راحت‌ترند.

غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین. غیر از کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان.

بیشتر از مفسرین نزول این قسمت را درباره یهودیان و مسیحیان میدانند؛ و چون مطالب قرآن کلی است یهودیان به مغضوب و نصاری به ضالین معرفی شده‌اند.

معلوم است که مسیحیان برای افتاده ولی گمراهند یعنی بی حرکت و ساکت در مبداء سیر و حرکت نایستاده بلکه به راه افتاده و گم شده و راه راست را فراموش کرده‌اند از این لحاظ نسبت کمراهی با آنان داده شده است.

سوره مبارکه حمد فهرستی از قرآن مجید است زیرا آنچه در قرآن ذکر گردیده بطور مجمل و مختصر در این سوره بیان میشود.

قرآن از چهار اصل گفتگو میکند: اول توحید، دوم اعمال و اجرای آن سوم جزای اعمال و چهارم علل اضحلال و انحطاط یاد و اوقایماندن ملل و این چهار اصل در سوره مبارکه حمد گنجانده شده است.

خدا را میشناسند که مربی و سرپرست هوالم و رحمن و رحیم است. از اعمال که پرستش خدا و درخواست یاری از اوست گفتگو میکند. روز جزا و پاداش را یادآوری مینماید و علل انقراض و پایداری اقوام و ملل مختلف را گوشزد مینماید.

بعلاوه تمام کلمات این سوره بایکدیگر کاملاً مربوط یعنی هر کلمه و جمله متمم و مکمل کلمات و جملات ماقبل خود است لله حمد را اختصاص بخدا میدهد و رب العالمین عظمت خدا را یادآوری میکند الرحمن رحمت عمومی و همگانی والرحیم

مرحمت خصوصی الله را متذکر میشود مالک يوم الدين میگوید این یزدان صاحب روز جزاست. ایاک نعبد و ایاک نستعین تکلیف و وظیفه بندگان را نسبت بخدا گوشزد میکند اهدنا الصراط المستقیم درخواست کمک بندگان را درباره هدایت براه راست برای پرستش یزدان بیهتا بیان میکند و صراط‌الذین انعمت علیهم راه راست را تعیین میکند و غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین راه راست را تکمیل کرده و هر گونه ابهام را میزداید.

## بسم الله الرحمن الرحيم

الم راجع بحروف مقطعه اول سوره ها سخنان زیادی گفته شده مثلاً بعضی آنرا کلید رمز قرآن مینامند ولی بطور کلی هنوز ما نمیتوانیم مقصود از این حروف را درک کنیم.

یکی از علماء مصری میگوید حروف مقطعه اول يك سوره آیه‌ای را که با این حروف شروع میشود خاطر نشان میکند تادقت بیشتری در آن بکار رود.

مثلاً اگر کلمه اول آیه‌ای با الم تر شروع شود الم اول سوره متوجه میکند که آیه مزبور دارای مطلب مهمی است ولی این تعریف عمومیت ندارد.

شاید قرآن میخواهد بگوید ای کسانی که قدرت و توانائی ندارید حتی يك سوره کوچک از آنرا بسازید «اگر همه یکدیگر را در این کاریاری دهید» این سوره‌ها از همین حروفی که مشاهده مینمائید «الف، لام، و غیره» تشکیل شده و ترکیب یافته است. همانطور که اگر مواد یکدانه گندم را بشناسید و بتوانید یکدانه گندم را تجزیه کنید و دریابید از چه ترکیب شده ولی نمیتوانید یکدانه گندم زنده بسازید و اگر مواد ترکیبی يك حشره بدانید قادر بایجاد حشره‌ای نیستید و توانائی ترکیب و تشکیل جانور زنده‌ای را ندارید با این حروف کوچک هم که در دست دارید نمیتوانید حتی سوره کوچکی بسازید و نمیتوانید روحی را که در جملات قرآن دمیده شود در جملات بدمید و اثری را که تنها مختص بگفتار آفریننده زمین و زمان است در کلام خود ظاهر سازید.

موضوع دیگر که میتوان برای حروف مذکور در نظر گرفت آنستکه قرآن میخواهد با این حروف اذهان مردم را بخود متوجه سازد. همانطور که هنگام تلفون کردن الو میگویند تا مخاطب متوجه شود در قرآن هم حروف مذکوره برای جلب توجه مخاطبین بکار رفته است ولی همانطور که نخست گفته شد حقیقت این حروف بر ما مجهول و نامعلوم است.

## حق عضویت جامعه تعلیمات اسلامی

از کسانی که حق عضویت بجامعه تعلیمات اسلامی نمی‌فرستند خواهشمند است یا پاکت‌های خود را بابت سفارشی ارسال فرمایند و یا حق عضویت را هر روز از ساعت پنج و نیم تا ۸ بعد از ظهر بدفتر جامعه واقع در ساعت مشیر السلطان خیابان سلیمان‌خان دست‌چپ درب‌نهم داده رسید دریافت فرمایند.

دفتر جامعه تعلیمات اسلامی